



دیدگاه مستشرقان درباره حضرت فاطمه(س)؛ از هانری کرین مسیحی تا خاخام یهودی

احمد جعفری، استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با ایکنا به تشریح دیدگاه مستشرقان درباره حضرت زهرا(س) پرداخت و گفت:

احمد جعفری، استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با ایکنا به تشریح دیدگاه مستشرقان درباره حضرت زهرا(س) پرداخت و گفت: مستشرقان مغرض عمدتاً به تاسی از هنری لاماس خاخام یهودی نقش و جایگاه آن بانوی بزرگوار را تضعیف کرده‌اند ولی برخی از آنان منصف، ایشان را الگو، مادر و همسری صادق و مهربان و قهرمان برشمرده‌اند.

احمد جعفری‌خاورشناسان از قرون گذشته درصدد شناخت بیشتر اسلام، شخصیت‌ها و منابع اسلامی و در راس آنها قرآن و سیره بوده‌اند و به خصوص در یکی دو قرن اخیر، این موضوعات را مورد مطالعه قرار داده‌اند. البته انگیزه‌های آنان در بررسی منابع اسلامی و شخصیت‌های بزرگ دین اسلام متفاوت بوده و از جست‌وجوگری تا غرض‌ورزی را شامل شده است. یکی از شخصیت‌هایی که در واکاوی آنان از تاریخ اسلام مغفول نبوده حضرت زهرا(س) است، برای آگاهی بیشتر درباره نگاه خاورشناسان به ایشان، خبرنگار ایکنا با احمد جعفری، استاد حوزه و دانشگاه گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید: ایکنا- اطلاع از دیدگاه خاورشناسان درباره حضرت زهرا(س) چه ضرورت و کارکردی می‌تواند داشته باشد؟

همانطور که مستحضریدیدگاه‌ها درباره شخصیت‌های اسلامی از دو رویکرد و منظر قابل بررسی است؛ یکی رویکرد درون‌دینی و دیگری برون‌دینی؛ ما برای تبیین مقام حضرت زهرا(س) آیات و روایاتی داریم و آیات هم بر اساس روایات تفسیر شده‌اند، این نگاه، درون‌دینی است ولی ممکن است متهم شویم چون ما شیعه و محب اهل بیت(ع) هستیم.

بنابراین یکی از بهترین راه‌ها این است که ما اهل بیت(ع) و حضرت زهرا(س) را از نگاه و رویکرد برون‌دینی، مخصوصاً از نگاه خاورشناسان مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم تا به تعصب و گرایش‌های درون‌دینی متهم نشویم. بنابراین همین برهان برای ضرورت پرداختن به آرای مستشرقان کفایت می‌کند. از طرف دیگر برای نقد اندیشه، معمولاً دیدگاه‌های برون‌دینی را مدنظر قرار می‌دهند حتی برای بررسی بینامتنیت، دیدگاه‌های برون‌دینی غلبه بیشتری بر دیدگاه‌های درون‌دینی دارد. ایکنا- دیدگاه‌های مستشرقان درباره قرآن بسیار متفاوت است، از انکار وحیانی بودن و اعجاز تا باور به وحیانی بودن آن، آیا در مورد شخصیت حضرت زهرا(س) هم این طیف‌ها دیده می‌شوند؟

دیدگاه خاورشناسان درباره حضرت زهرا(س) دو طیف است، کسانی که غیرمنصفانه و مغرضانه به تاریخ زندگی آن حضرت پرداخته‌اند که عمدتاً یهودیان این رویکرد را دارند و گروهی هم نگاه منصفانه دارند که این نگاه را براساس تحقیق درست در منابع اسلامی به دست آورده‌اند.

هنری لاماس در ضدیت با اسلام و قرآن و آنچه متعلق به پیامبر(ص) است معروف است؛ این خاخام یهودی با پیش‌فرض عناد و دشمنی با اسلام و پیامبر(ص) دست به مطالعه در این زمینه زده است؛ نوشته‌های خاورشناسان هم عمدتاً به صورت مقاله و کتاب در دسترس است. در مورد حضرت زهرا(س) هم یا فقط مقاله و کتابی به ایشان اختصاص یافته است، یا در مورد تاریخ اسلام، نبی اعظم و حضرت علی بن ابیطالب(ع) و ختمه طیبه سخن گفته‌اند و در لابلای آن به آن حضرت و زندگی‌شان اشاره شده است.

مقالات عمدتاً در دایرة المعارف‌های معروف از جمله لایدن که مشهورترین دایرة المعارف حوزه استشرق است نوشته شده است؛ خانم مک اولیف، سردبیر این دایرة المعارف، مقاله‌ای درباره آن حضرت نوشته و شخصیت ایشان را ستوده است. در دایرة المعارف نوبورک هم با استناد به منابع اهل سنت و شیعه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌های ایشان را بیان کرده است.

در دایرة المعارف بریتانیکا و در مدخل فاطیما اشاره شده که نزدیکی حضرت فاطمه(س) به پدرشان، او را از دیگر زنان و شخصیت‌های اسلامی متمایز می‌کند. ضمن اینکه علاقه وافر پیامبر(ص) به دخترشان را مدنظر قرار داده و روایات متعددی در این باره ذکر کرده است و به خصوص روایات رضا و خشم فاطمه(س) آمده است. وی جمع‌بندی کرده است که مسلمین جهان چه شیعه و چه سنی، حضرت فاطمه(س) را به عنوان یک مادر، دختر و یک فرد دوست‌داشتنی و فداکار، صادق و نمونه برای زنان مسلمان می‌شناسند و رفتار سیاسی و اجتماعی آن بانو را به عنوان یک انگاره و پارادایم الگویی مطرح می‌کنند.

ایکنا- مقالات این دایرة المعارف‌ها تاریخی است یا از روش‌های دیگر استفاده کرده‌اند؟

رویکردهای مطالعاتی به شخصیت‌شناسی حضرت زهرا(س) در تالیفات خاورشناسی معمولاً به سه طریق یعنی رویکرد تطبیقی، تحلیلی و تاریخی است و در دایرة المعارف ایرانیکا، رویکرد تحلیلی دارد برخلاف بریتانیکا که رویکرد تاریخی دارد. در این دایرة المعارف آورده است که براساس نوشته‌های امامیه نام فاطمه(س) در قرآن با صراحت ذکر شده هرچند نوشته‌های اهل سنت این موضوع را نشان نمی‌دهد، در اینجا تحلیل کرده که مفسران اولیه امامیه با جست‌وجو در سوره‌های قرآن و احادیث، روایت خاصی را برای آن حضرت مانند مقام لیلۃ القدر یا همنشینی با روح القدس (جبرئیل یا فرشته دیگر) قائل شده‌اند. براساس روایات امام صادق(ع) ۷۵ روز جبرئیل همنشین حضرت فاطمه(س) بود ولی براساس مقاله ایرانیکا، ایشان با روح القدس همنشین بوده است؛ این دایرة المعارف می‌گوید ما اطلاعات تاریخی کمی درباره آن حضرت داریم ولی باز هم ایشان هواداران زیادی در بین شیعه و سنی دارد و تفکرات و اندیشه‌های او الگویی برای تمامی زنان عالم و سرور زنان بهشتی است. این مقام اسوه بودن توسط خود این دایرة المعارف نتیجه گرفته شده است.

ایزوتسو و رابطه خدا با انسان

در میان خاورشناسان منصف و معتدل فردی مانند هانری کربن را داریم که رویکرد پدیدارشناسانه به مطالعات اسلامی داشته و براساس روند علمی به این مباحث پرداخته است؛ وی در اثر خود به نام «ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز» مطالبی در مورد آن حضرت آورده است، در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، مطلبی در مورد مهدی موعود در نزد شیعیان آمده که باز به حضرت زهرا(س) اشاره داشته و آورده است که بعد از چندین سال تحقیق در ادیان باید گفت که رابطه خدا با انسان در همه ادیان قطع شده جز در اسلام آن هم در مکتب شیعه، البته کتاب «خدا و انسان در قرآن» ایزوتسو بر افکار هانری کربن اثر گذاشته است. وی آورده که در مسیحیت رابطه انسان با خدا بعد از عیسی(ع) و حواریون، در یهودیت رابطه انسان و خدا بعد از موسی(ع) و در اسلام سنی، رابطه خدا با انسان بعد از وفات پیامبر(ص) قطع شده ولی در مکتب شیعه رابطه خدا با انسان از طریق ائمه(ع) در هر عصری جریان یافته امروز هم این رابطه از طریق امام زمان شیعیان برقرار است و نکته جالب اینکه ایشان آورده است اینکه حلقه اتصال این جریان، حضرت فاطمه(س) است.

مقام نورانیت حضرت زهرا(س)

در کتاب ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز، گفته است اگر پیامبر(ص) عنصر ذاتی در مکتب معرفتی اسلام است، در شیعه معرفت امام هم به آن افزوده شده است؛ در کنار رسالت پیامبر(ص) که پیام وحی را با کلام به مردم رسانده وظیفه ارشاد معنوی و ولایی مؤمنان بر عهده امام بوده و در مکتب شیعه، ۱۴ امام بوده یعنی پیامبر و حضرت زهرا(س) را هم جزء امامت آورده است. استاد هانری کربن، لوئی ماسینیون، هم مطالعات زیادی درباره اسلام با رویکرد عرفانی داشته است و بر این اساس به تحلیل داستان مباحثه پرداخته است؛ او به سابقه معنوی مورد اشاره در ادیان ابراهیمی درباره حضرت زهرا(س) اشاره کرده و آورده است که اوراد و دعاهای حضرت ابراهیم(ع) از وجود ۱۲ نور منشعب از فاطمه(س) نشئت گرفته است؛ ما شیعیان هم به مقام نورانیت حضرت زهرا(س) قائل هستیم ولی این تعبیر یک اندیشمند مسیحی پروتستانی است. وی در جای دیگر بیان کرده که تورات از آمدن محمد(ص) و دختر پربرکت او همراه دو آقازاده مانند اسماعیل و اسحاق خبر داده است. وی در جای دیگر آورده که انجیل عیسی(ع) هم از آمدن محمد(ص) و دختر و دو پسر بابرکتش خبر داده است.

این دیدگاه‌های استشرافی برای امروز ما بسیار مهم است زیرا اینها بعد از چندین سال تحقیق به تأیید افکار و اندیشه خالص شیعه رسیده‌اند در حالی که ما از بچگی براساس تقلید از بزرگانمان این باور را داشته‌ایم.

میراث فکری شیعیان

ورنا کلم؛ استاد موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ آلمان و متخصص تاریخ قرون اول اسلامی است در جواب اسپیلبرگ که تفکرات مغرضانه علیه شیعه دارد، گفته است که حضرت فاطمه(ص) عنصری خیالی در اندیشه‌های اسلامی ترسیم نشده است، از دید او بر خلاف آنچه اسپیلبرگ می‌گوید نشان دادن شخصیت زهرا(س) ناشی از عمل تاریخ نگاران برای سوء استفاده سیاسی نبوده است. بلکه میراث فکری شیعیان عراق بوده است. باربارا استواستر، هم کتابی به نام زن در قرآن، سنت و تفسیر با رویکرد تطبیقی دارد؛ او زنان زمان رسالت را با زنان مقدس در ادیان دیگر تطبیق داده و گفته است تصویر فاطمه(س) متفاوتی است و می‌توان برای آن الگوسازی کرد. سلیمان کتانی هم در کتابی درباره فاطمه(س) رویکرد تحلیلی به شخصیت ایشان داشته و گفته مقامی بالاتر از مقام فاطمه(س) وجود ندارد. او می‌گوید همین چارچوب برای برزندگی فاطمه(س) کافی است که بگویم او دختر پیامبر(ص) و همسر علی(ع) و مادر حسن و حسین است.

او نتیجه گرفته حضرت فاطمه(س) مظهر پاک، بخشنده، محبت و الگوی همه زنان در همه اعصار و مکان‌هاست، وی می‌گوید

قهرمانی مستند به تاج و تخت نیست بلکه مستند به فهم و عقل است که ما آن را در شخصیت این بانو می بینیم، فاطمه(س) با وجود اینکه پهلو و بازوان نحیف و لاغری داشته ولی قهرمان زنان عالم و الگوی برای تمامی آنان و عامل هدایت انسان ها است. ایکنه- اشاره مختصری هم به دیدگاه خاورشناسان مغرض درباره وجود مقدس حضرت زهرا(س) بفرمایید؟

هنری لاماس، خاخام یهودی از جمله مستشرقان بی انصاف بوده است که در مورد آن حضرت مطالبی بیان کرده و عمدتاً بعد از او به وی استناد کرده اند؛ مرحوم محمدجواد مغنیه وی را مورد انتقاد شدید قرار داده است. البته براساس این تفکر، تفکر اسپیلیبرگ صورت گرفته که وی کتابی را درباره حضرت خدیجه(س)، حضرت فاطمه(س) و عایشه نوشته و تصویری سیاسی از آنان نشان داده است. تفکری نصرانی هم از امیل دورمنگام در مورد بانوی بزرگ اسلام وجود دارد که به ایشان اهانت کرده است. رویکرد این افراد مغرضانه و با انگیزه تبشیری بوده است.